

ردپای حسابداری در جرائم مالی

دکتر حسن همتی

استادیار حسابداری دانشگاه رجاء قزوین - عضو انجمن حسابداری ایران

مجتبی ابراهیمی رومنجان

دانشجوی دکتری حسابداری، عضو انجمن حسابداری ایران

مجتبی محمودی

عضو انجمن حسابداری ایران

چکیده

از دیدگاه روانشناسی، حسابداران در موقعیت تابع قرار دارند و از آنجا که وقوع یک جرم مالی مستلزم برقراری ارتباط با رده های پایین تر و جلب همکاری آنان می باشد، لذا تصور عمومی بر این است که حسابداران همیشه یکی از ارکان ثابت جرائم مالی می باشند. این مقاله قصد دارد فرایند سوء استفاده از دانش حسابداری به عنوان ابزار مورد استفاده در جرایم مالی و به طور خاص، پولشویی را مورد بررسی قرار دهد. لذا در ابتدا به معرفی حوزه های عملکردی جرائم مالی در حسابداری پرداخته و سپس ارتباط حسابداری و حسابداران با جرایم مالی از منظر روانشناسی و ایدئولوژیکی تبیین می شود و در ادامه سطوح مختلف بکارگیری دانش حسابداری در سازماندهی جرایم مالی و نمونه های بارزی از بکارگیری تکنیک های حسابداری در جرائم مالی ارائه خواهد شد. در انتهای مقاله نیز توصیه های لازم از باب مقابله با خطرهای ناشی از جرایم مالی که حسابداران را تهدید می کند، بیان شده است.

واژگان کلیدی: دانش حسابداری، جرایم مالی، پولشویی، روانشناسی، پرولتاریای فنی و ایدئولوژیک.

مقدمه

گسترش روز افزون جرایم مالی نظیر پولشویی، اختلاس، کلاه به کلاه کردن، حساب سازی و غیره موجب شده است تا حساب‌برسان، شاغلان و بطور کلی جامعه حساسیت بیشتری نسبت به دنیای حسابداری نشان دهند. اما آیا این گفته صحیح است که تمام جرایم مالی نیازمند تبصر در فنون و دانش حسابداری هستند؟ بنظر می رسد پاسخ به این سؤال به سادگی امکان پذیر نیست. همانطور که ایجاد اطمینان از در بر گرفتن تمام مزایای اطلاعاتی جزء وظایف سیستم اطلاعات حسابداری است، این سیستم باید به شیوه ای عمل نماید که مانع وقوع جرم مالی شده و یا آنرا مشهود نماید (کامپین¹، 2008). دانش حسابداری بر مبنای یک چارچوب ساختار یافته و با هدف فراهم کردن اطلاعات مربوط و مفید و عاری از هرگونه تحریف شکل گرفته است. دست یازی به حسابداری از یک منظر قانونی مثبت بوده یعنی قوانین و استانداردهای حسابداری، الزاماً مستقل در نظر گرفته شده و تخطی از آن ها معادل زیر سؤال بردن نظم حقوقی داخلی است و از طرف دیگر اعمال دیدگاه قانونی برای حسابداری منوط به در نظر گرفتن نقش اجتماعی حسابداری می باشد. لذا عدول از قوانین و مقررات نیازمند ایجاد ارتباط نقش حسابداری و مسئولیت های اجتماعی آن است (کامپین، 2008). در زمان های گذشته و در دهه 1930، شاترلند² و گریسی³ (1996) توجه جوامع را به سوی میزان جرائم اداری جلب نمودند و این گونه تحلیل کردند که چگونه افراد با شخصیت و با جایگاه اجتماعی بالا تبدیل به مجرمان مالی می شوند. آن ها بیان می کنند که مجرمان مالی در مرزهای جامعه زندگی نمیکنند. آن ها وجودشان را بر طبق موضع " کار، کار است " سازمان داده و در عین حال رابطه مرئوس را با کارفرما حفظ می کنند و تلاش می کنند سود خود را افزایش دهند و خطر را برای

¹Compin

²Sutherland

³gressy

سازمان های مجرم که به آن ها مشاوره می دهند، به حداقل برسانند. از دیدگاه سیکا⁴ و همکاران (1998)، حسابداران در نوک پیکان این اتهام قرار دارند. از دیدگاه روانشناسان حسابداران در اجتماع در فعالیت های روزانه خود تابع کارفرمایشان عمل می نمایند (کریمی، 1381) و از آنجا که وقوع یک جرم مالی نیازمند برقراری ارتباط بین مسئول اصلی با مسئولین سطوح پایین تر و همکاری آنان می باشد، این دیدگاه عمومی ایجاد شده است که حسابداران می توانند به عنوان واسطه های مناسب در وقوع جرایم مالی حضور یابند. یکی از رایج ترین شیوه های جرایم مالی در دهه های اخیر، پولشویی و کثیف سازی پول بوده و سند سازی و اختلاط مالی که یکی از مراحل آن می باشد، بیشتر در حوزه کارکرد حسابداری قرار می گیرد. لذا تعیین موقعیت و کاربرد دانش حسابداری و جایگاه حسابداران به عنوان یک جزء تعیین کننده جرایم مالی ضروری بنظر می رسد. چنانکه به اعتقاد میچل⁵ و همکاران (1998)، توسعه عملیات پولشویی نیازمند مداخله مستقیم دانش حسابداری است. کشف حسابداری از دورنمای تبهکاری، مستلزم شناخت سابقه سوء استفاده از دانش حسابداری، تعریف درست جرم مالی و مشخص نمودن نقش کلیدی و پشتیبان حسابداری در توسعه عملیات جرائم مالی می باشد این مقاله قصد دارد به تبیین جایگاه دانش حسابداری در وقوع جرایم مالی با تأکید بر پولشویی بپردازد. بدین منظور ابتدا به ارائه تعاریفی از جرم مالی و پولشویی و مفاهیم و بسترهای آن پرداخته و سپس ارتباط دانش حسابداری با مقوله جرایم مالی و پولشویی بیان شده و در انتها نتیجه گیری بحث ارائه خواهد شد.

جرم مالی و پولشویی چیست؟

جرم مالی مقوله ای است کلی و شامل هر عامل یا پدیده ای است که روند عادی و قانونی مسیر معاملات را چه در کشور و چه بیرون آن نقض می کند (دوانی، 1388). در ماده 2 قانون مبارزه با پولشویی مصوب سال 1386، جرم پولشویی بدین ترتیب تعریف شده است: الف) تحصیل، تملک و نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت های غیر قانونی با علم به اینکه به طور مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه ارتکاب جرم بدست آمده باشد، ب)

4. sikka

5. mitchell

تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن سرچشمه غیر قانونی آن با علم به اینکه به طور مستقیم یا غیر مستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نشود. دغدغه های کشور ها در نیم قرن اخیر در این حوزه مربوط به پدیده قاچاق مواد مخدر بوده است. اما، در دهه اخیر پدیده های نوینی این دغدغه را سنگین تر نموده است که یکی از آن ها، پدیده سرمایه داری جنایی یا همان پولشویی است. واژه پولشویی را برای اولین بار محققان در جریان رسوایی واترگیت⁶ در دهه 1970 استفاده کردند و سپس بصورت بین المللی مقبولیت یافت (حسابرس، 1392). پولشویی به مجموعه اقداماتی اطلاق می شود که برای جابجایی پول دادو ستد های غیر مشروع و خلاف قانون مانند خرید و فروش مواد مخدر، فعالیت های تروریستی و دیگر جنایات، به شکل سازمان یافته و با هدف تغییر شکل مبدأ، مشخصات، نوع پول، ذی نفع یا مقصد نهایی انجام می شود (دوانی، 1388). به عبارت دیگر، منشأ و منبع وجوهی که به صورت غیر قانونی بدست آمده است از طریق رشته ای از نقل و انتقالات و معاملات به گونه ای پنهان می شود که همان وجوه، به صورت درآمد قانونی نمود می یابد (فرهادی چشمه مرواری، 1389). از دیدگاه جان مدینگر⁷، پولشویی، پول بدست آمده از فعالیت های غیر قانونی با مخفی نگه داشتن هویت افراد بدست آورنده پول و تبدیل آن به چیزهایی که ظاهراً قانونی بنظر برسد، می باشد.

مروری بر تاریخچه پولشویی

شستشوی پول مانند تردستی و حيله گری شگفت انگیزی برای اندوختن ثروت به شمار می رود. شاید این شیوه نزدیک ترین راهی است که شخص با کیمیا گری سرو کار پیدا می کند. گفته می شود شریان خون فروشندگان مواد مخدر، کلاهبرداران، قاچاقچیان، فراریان از مالیات و ... نخستین بار توسط آل کاپون ابداع شده است. او مانند رقیب معروفش جورج موران، زنجیره ای از مراکز شستشو در سراسر شیکاگو ایجاد کرده بود که با انداختن سکه کار می کردند. این کار به منظور پنهان کردن درآمدهایی که از راه قمار بازی، فحشا

6. wathergit

7. jonmadinger

و فروش مواد مخدر و نقض قانون عرضه مشروبات الکلی بدست می آمد، انجام می شد. مایر لانسکی این ماجرا را جالب تر کرده و با بزهدارانی نظیر کاپون، لوجیانو و بعدها فرانک کاستلو که با استفاده از زور به این دنیا راه یافته اند فرق داشت. لانسکی حدود 160 سانتی متر قد داشت، لهستانی الاصل بود، در نیویورک بزرگ شده بود و از کلاس نهم ترک تحصیل کرده بود. تمام تلاش او این بود که تا به عنوان معروفترین فرد غیر ایتالیایی باند بزهداران شناخته شود. سالهای نخست او به عنوان حسابدار این جماعت او باش شناخته می شد اما بعدها از او با عنوان پدر و حامی پولشویان یاد می شد (رابینسون⁸، 1981). شاید علت انتخاب واژه تطهیر یا شستشوی پول از اینجا نشأت گرفته است که در دهه های بیست و سی قرن بیستم در آمریکا خانه هایی که مافیا آنها را از پول نامشروع خریداری کرده بودند و پول کثیف را به داخل آنها تزریق می کردند، و نیز اینکه این روند مثل یک شستشوی خانه یا ماشین لباسشویی که چرک و کثافت لباس را می گیرد، عمل کرده و با جدا کردن کثیفی ناشی از جرم از پول، یا هر مال دیگر ناشی از جرم، آن را پاک می سازد. و نیز گفته می شود اصطلاح پولشویی نخستین بار در جریان رسوایی انتخاباتی دوره نیکسون در پرونده موسوم به واترگیت بکار رفته است. اما به طور مستند این اصطلاح در فرایند یک پرونده دادگاهی در سال 1982 در آمرکا مطرح شد و ابعاد بین المللی به خود گرفت. اما سوابق این امر حکایت از آن دارد که دولت ها از دهه 1980 به فکر مبارزه با این مسئله افتادند و به این نتیجه رسیدند که سازمانهای جنایتکار از طریق منافع عظیمی که از قاچاق داروها تحصیل می کنند، اقتصاد را تخریب می کنند (امانی و دوانی، 1388).

انواع پول های کثیف و نقش حسابداری در ایجاد آن ها

سه گروه پول های نامشروع می تواند در جامعه مطرح باشد: (فرهادی چشمه مرواری، 1389)

الف) پول های سیاه که حاصل از قاچاق کالا است،

ب) پول های آغشته به خون که مربوط به نقل و انتقال مواد مخدر است و

⁸ Rabinson

ج) پول های خاکستری که درآمد های حاصل از فروش کالا یا انجام دادن کار های تولیدی است ولی از نظارت دولت برای فرار مالیاتی پنهان می ماند. حوزه درگیری حسابداری با عملیات پولشویی نیز بیشتر با پول های خاکستری است. چرا که نهاد ها و سازمان های مجرم، متخصصان حسابداری و مالی ماهری در اختیار دارند که قادرند زمینه های دورزدن قوانین و مقررات مالی را فراهم نموده و نیز این افراد از هنجارهای فنی لازم برخوردار می باشند. طبیعت شیوه های پولشویی نیز انحصالی را بین حوزه های واقعی و مجازی اقتصاد بوجود می آورد. در حوزه واقعی، گروه پول های خاکستری برای فرار از پرداخت مالیات بوده و در حوزه مجازی اقتصاد، سفسطه گران به دنبال افشا کردن اطلاعات غلط و در عین حال به لحاظ ظاهری عقلانی، منطقی و با صورتی معتبر می باشند که این باعث شده است حلقه اتصالی بین عملیات پولشویی و حوزه فعالیت حسابداری فراهم گردد.

مهمترین راه های پولشویی که در حوزه کارکرد حسابداری قرار دارند

الف) صورتحساب های جعلی و ساختگی: بدین صورت که از طریق عملیات واردات و صادرات صوری، فعالیت تجاری خاص را در کشوری که پول های کثیف بدست می آید، آغاز و به موازات این فعالیت، فعالیت های مشابهی را در کشوری که پول های کثیف خود را در آن سپرده گذاری کرده اند دنبال می کنند و از این طریق به خرید و فروش کالا و خدمات به شکل ظاهری و صوری می پردازند. به عبارت دیگر پولشویان کالایی را از شرکتی که می خواهند پول های کثیف را به آن تحویل دهند می خرند و در ازای آن صورتحساب های غیر واقعی صادر گردیده و قیمتی بالاتر از قیمت واقعی در صورتحساب ها وارد می شود و بدین ترتیب مابه التفاوت قیمت واقعی و قیمت کاذب، پول شسته خواهد شد و یا این که بطور کلی صورتحساب جعلی صادر می شود که در این صورت تمام مبلغ مندرج در صورتحساب، پول شسته خواهد بود.

ب) سرمایه گذاری در خرید سهام: بدین صورت که گاهی سرمایه گذارانی که به محافل تصمیم گیری نزدیک می شوند با استفاده از رانت اطلاعاتی، ثروت قابل ملاحظه ای بدست می آورند که این مسئله نوعی پولشویی ضمنی و عدم تقارن اطلاعاتی می شود.

ج) دست کاری اوراق بهادار: زمینه مساعدی برای کلاهبرداری که اثر آن ها توسط افراد حاضر در صنعت اجرا یا انجام شده، بشمار می رود. از آنجا که سهام یا دیگر اوراق بهادار، شباهت زیادی به ارز دارند، ابزار مناسبی برای پولشویی هستند.

د) بهشت های مالیاتی: کشور هایی که دارای چندین مشخصه هستند و مهمترین مشخصه آن ها این است که برای بیشتر درآمدها و یا تمامی انواع درآمدها، یا مالیات پایین وضع می کنند و یا اصلاً مالیاتی وضع نمی کنند. از مشخصه های دیگر این کشور ها ضعف قوانین مالیاتی است که به راحتی می تواند توسط مؤدیان مالیاتی که افراد خبره مالی و حسابداری را در اختیار دارند، دور زده شود.

مراحل و عملیات پولشویی و ورود حسابداری

پولشویی دارای فرآیند پیچیده، مستمر، دراز مدت و گروهی است که بطور معمول در مقیاس بزرگ انجام می شود. بطور کلی مراحل پولشویی به شرح زیر می باشد: (فرهادی چشمه مرواری، 1389)

1- ایجاد پول غیر قانونی

2- سند سازی مالی

3- اختلاط مالی

4- تشویق پولشویی

حوزه کلی ورود دانش حسابداری و الصاق برچسب اتهام به آن در فرآیند پولشویی، در سند سازی مالی و اختلاط مالی قرار می گیرد چرا که معمولاً پول غیر قانونی از طریق واسطه های مالی غیر متعهد به مقررات مالی و با استفاده از اسناد جعلی وارد شبکه پولی و مالی کشور می شود. امکان جلوگیری از این جریان با گسترش فناوری الکترونیک، مشکل است. اختلاط مالی نیز پیچیده ترین فرآیند پولشویی است. زیرا در این مرحله معمولاً مبادلات پولی از طریق واسطه ها و یا کارگزاران مالی صورت می گیرد و سرخ اصلی به سهولت در ابهام قرار می گیرد. بطور مثال در بازار های مبادله سهام و اوراق بهادار، عدم تقارن اطلاعاتی باعث می شود که عده ای خاص از سرمایه گذاران با استفاده از رانت اطلاعاتی، ثروت قابل ملاحظه ای بدست آورند که این مسئله نوعی پولشویی تلقی می

شود و پول ایجاد شده حاصل از این فرآیند نیز از طریق واسطه‌ها که همان مبادله‌کنندگان اوراق بهادار می‌باشند، دوباره وارد چرخه مبادله می‌شود و این دور همچنان ادامه پیدا می‌کند.

هنر، فن یا علم بودن حسابداری در ارتباط با پولشویی

طبق تعریف کمیته واژه‌شناسی انجمن حسابداران رسمی آمریکا (1953)، حسابداری هنری است که به روشی ارزشمند و برحسب پول، عملیات و رویدادهایی را که دست‌کم، تا حدی دارای ویژگی مالی هستند، طبقه‌بندی، خلاصه و سپس نتایج حاصله را تفسیر می‌کند. این تعریف، حسابداری را به عنوان یک هنر معرفی نموده است. هنر به معنی فن، صنعت و یا حيله می‌باشد (شبان، 1386). در فرهنگ لغات وبستر این واژه چنین تعریف شده است: "هنر عبارتست از مهارت انجام کاری که به وسیله تجربه بدست می‌آید." حسابداری زمانی که به عنوان هنر شناخته می‌شود، یک ابزار ترکیبی محسوب می‌شود که سه هنر از هفت هنر دروس علوم انسانی تدوین شده در دانشگاه‌های قرون وسطی را با هم ترکیب می‌کند. دانش حسابداری، حساب، بیان و منطق را با هم ترکیب کرده و در نتیجه سفسطه‌گران (حساب‌سازان) و محققان در جستجوی حقیقت را باهم روبرو می‌کند و به عبارت دیگر از دیدگاه جنایی، حسابداری هنر دستکاری اعداد و ارقام در قالبی منطقی و بیان آن‌ها در جهت رسیدن به اهداف خاص تلقی می‌شود. در تعریف دیگری که در تئوری بنیادی حسابداری⁹ (1966) ارائه شده است، حسابداری فرایند تشخیص، اندازه‌گیری و گزارش اطلاعات اقتصادی واحد به نحوی که امکان قضاوت و تصمیم‌گیری آگاهانه را برای استفاده‌کنندگان این گونه اطلاعات فراهم آورد، معرفی شده است. در این دیدگاه حسابداری یک علم اجتماعی است چرا که استفاده‌کنندگان از اطلاعات ارائه شده بوسیله سیستم حسابداری به وضوح مشخص نشده‌اند لذا طیف وسیعی از اشخاص را می‌توان در این دامنه قرار داد. حسابداری از دیدگاه یک علم اجتماعی، آماج معلومات و مغفولات زیادی قرار دارد و سعی در ارائه واقعیات می‌باشد. علم معرفتی است منظم که با روش‌هایی معین بدست می‌آید و قوانین یا روابط پایدار و واقعیات را بیان می‌کند. در نظر

گرفتن حسابداری به عنوان یک علم، یعنی به دنبال رابطه علت و معلولی بین تصمیم فنی و پیامد های اقتصادی و اجتماعی آن است که نمود منفی آن در بحث جرائم مالی، مدیریت دارایی های حاصل از عملیات پولشویی و جرایم مالی می باشد. در بیانیه شماره چهار هیئت اصولحسابداری¹⁰ نیز حسابداری یک نوع فعالیت خدماتی معرفی شده است که نقش یا وظیفه آن ارائه اطلاعات کمی درباره واحد اقتصادی برای تصمیمات مالی است. این اطلاعات مالی توسط مدیریت و با روش های مد نظر او سازماندهی می شوند و در صورتی که حسابداری یک فعالیت خدماتی تلقی شود، پایگاه مستقل حسابدار نیز منتفی فرض می شود چرا که نیروی فکر و درایت او در خدمت تأمین مقاصد و اهداف مدیریت خواهد بود که بعضاً این اهداف در حوزه جرائم مالی می تواند قرار بگیرد. به عبارت دیگر در این دیدگاه، حسابداری یک سیاست درون سازمانی است که ارزش ها و نیازهای گروه های ذینفع خاصی را منعکس و پشتیبانی می کند و اطلاعات آن به عنوان منبعی برای شکل دهی به سیاست های شرکت بویژه در تصمیم گیری و علاوه بر آن اهداف مدیریت، طراحی و مورد استفاده قرار می گیرد (شباهنگ، 1386).

فن نیز در فرهنگ لغات پیشرفته آکسفورد این طور تعریف شده است: "پرداختن به شغلی که نیازمند آموزش یا مهارت بالایی باشد" مانند حسابداری، معماری، پزشکی و حسابداری زمانی که به عنوان یک فن در نظر گرفته می شود، به مثابه یک زبان به کمک و همدستی جرایم مالی مورد استفاده قرار می گیرد. حسابداری از منظر تئوری اقتصاد سیاسی، نوعی سند اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. یعنی ابزار یا عاملی که باعث می شود سازمان به منافع مورد نظر خود (خواه مثبت یا منفی) دست یابد. گوتتری و پارکر¹¹ (1990)، بیان می کنند که نمی توان گزارش های مالی را که خروجی سیستم حسابداری می باشند، سند های بیطرفانه و بدون سو نگرایی دانست. یعنی اطلاعات بدان گونه که مورد ادعای نهادهای تدوین کننده مقررات حسابداری است، نیستند. بار چل¹² و همکاران (1980) نیز ادعایی مشابه دارند. به عقیده آنان نمی توان حسابداری را فقط

10. APB

11. guttry& parker

12. Barchel

مجموعه ای از روش ها و محاسبه اعداد دانست، بلکه مجموعه ای منسجم از روش های مدیریت است که بر عوامل اجتماعی و اقتصادی اثر گذاشته و آن ها را به اهداف خاص خود می رساند. در این راه یک حسابدار زبده قادر است کاری کند که صورت های مالی به شکلی ارائه گردد که بعضی مواقع واقعیت ندارد. به عبارت دیگر حسابداری روشی است که با حساب آرای و دستکاری حساب ها می توان استفاده کنندگان از گزارشات مالی را فریب داد. حسابداری از دیدگاه مشروعیت بخشی به اقدامات انجام گرفته در قالب یک فن ارائه اطلاعات، مرز پیچیده ای را به اقدامات مجرمانه افزوده است.

تئوری مشروعیت در حسابداری و جرایم مالی

همانطور که در بخش قبلی بیان شد، حسابداری از منظر مشروعیت بخشی به اقدامات انجام گرفته در قالب یک فن ارائه اطلاعات ابعاد گسترده ای را به جرایم مالی اضافه کرده است. کارل ماکس معتقد است که حسابداری شکلی از آگاهی غلط را تداوم می بخشد و ابزاری است برای گیج کردن و به رمز در آوردن امور و در جهت آشکار ساختن ماهیت واقعی روابط اجتماعی گامی بر نمی دارد (رهنمای رودپشتی و صالحی، 1388). در تئوری مشروعیت اعلام می شود که هر سازمانی پیوسته در تلاش است تا چنین اطمینانی بدهد که فعالیت های آن در درون مرز ها یا محدوده ها و هنجار های مشخص (تعیین شده بوسیله جامعه) قانونی و مشروع است. لیندبلوم¹³ (1994)، مشروعیت را وجود ارزش هایی برای سازمان، مشابه با ارزش های جامعه ای که در آن فعالیت می کند، می داند و بیان می کند که اگر تضاد واقعی یا بطور بالقوه بین دو سیستم ارزشی وجود داشته باشد، مشروعیت سازمان دستخوش تهدید قرار می گیرد. از دیدگاه این تئوری، بین ارائه اطلاعات شرکت و انتظارات جامعه رابطه تنگاتنگ وجود دارد. بدین صورت که مدیریت با نگرانی های جامعه توجه کرده و در صورت لزوم با تغییر رفتار، خود را با شرایط جدید وفق می دهد. اما همیشه این خطر وجود دارد که مدیران زمانی که احساس خطر کنند و خود را در معرض تهدیداتی می بینند که متوجه مشروعیت سازمان است، با استفاده از تئوری مشروعیت و دستکاری روش های حسابداری، به عملیات خودش جامعه مشروعیت پوشانده

¹³: lindelblum

و جامعه را از قضاوت صحیح گمراه کنند. این گمراهی از اصل موضوع نیز سرپوش گذاشتن بر عملکرد واقعی و نوع کوچکی از فرآیند پولشویی می تواند تلقی شود.

رابطه‌های خطرناک حسابداران با جرایم مالی از دیدگاه روانشناسی

وجود یک جرم یا تخلف مسئول اصلی، پیش شرط اصلی مسئولیت کیفری است. تخلف مسئول اصلی باید احتمالاً برای بانی آن یک سود مستقیم یا غیرمستقیم فراهم آورد، و یا یک محصول مستقیم یا غیرمستقیم را تولید کند. (کوتاجار¹⁴، 2004). بر طبق تفسیر قانونی، در سطح روانشناسی، حسابداران همیشه در موقعیت وابسته (تابع) قرار دارند (کریمی، 1381). آنها با اینکه در فعالیتهای روزانه‌شان بطور طبیعی تابع کارفرمایان هستند، در عین حال وابسته به جرم یا تخلف مسئول اصلی می باشند. این وابستگی عملیاتی، آنها را به نقش سنتی‌شان برمی گرداند، یعنی نقش پذیرفتن یک حالت پیمانی مرسوم. در نتیجه تجزیه و تحلیل این انحراف رفتاری، امکان درک بیشتر دلایل و اهداف گذر از وابستگی سلسله مراتبی در چارچوب یک فعالیت صادقانه و مقرراتی به سمت وابستگی عملیاتی در چارچوب یک شبکه مافیا یا شبکه مجرمانه را فراهم می آورد.

با استفاده از تعریف نظریه نمایندگی جنسن و مک لینگ¹⁵ (1976) رابطه نمایندگی را میتوان به صورت قراردادی تعریف نمود که تحت آن یک یا چند شخص (مسئول اصلی) شخص دیگری (نماینده) را استخدام می کنند تا خدمتی را از جانب آنها انجام دهد که شامل تفویض اختیار تصمیم گیری به نماینده می شود. در اینجا حسابدار به عنوان واسطه مناسب حضور می یابد، که قادر است با ساختن عملیات مالی بر مبنای پناهگاههای مالیاتی برون مرزی، سود غیرقانونی را به حداکثر برساند و با استفاده از فنون حسابداری برای محو ساختن مرزهای بین غیرقانونی، مجاز و غیرمجاز، خطر را به حداقل برساند. در حقیقت، او به عنوان نماینده اصلی در یک رابطه قراردادی غیرمعمولی مداخله می کند.

پرونتاریایی شدن حسابداران از نظر فنی و ایدئولوژیک و مقدمات ورود به جرائم مالی

14. Cutajar

15. Macling

بروز اختلاف طبقاتی بین حسابداران، نخستین عاملی است که در عرصه نوین پر تعارض پدیدار شده است. حسابداران به عنوان کارکنان حرفه ای یا تخصصی، در مؤسسات حسابداری یا غیر حسابداری، به عنوان اعضای طبقه جدید از متخصصان حقوق بگیر به حساب می آیند. رشد روز افزون تعداد حسابداران نسبت به سایر حرفه ها بسیار بیشتر است (کلیمن¹⁶، 1987). چنین رشدی در اعضای حرفه حسابداری ایجاب می کند که فناوری پیشرفته حسابداری ارائه شود تا حسابداران بتوانند خود را با شرایط ناشی از بکارگیری ماشین آلات بسیار پیشرفته سازگار نمایند. استفاده از این فناوری پیشرفته ایجاب می کند که حسابداران همه تلاش خود را در مؤسسات کوچک یا بزرگ رسمی حسابرسی متمرکز نمایند که در نتیجه آن، خود اشتغالی در این رشته کاهش یافته و وابستگی افراد به منابع مالی و سازمانی شرکت های بزرگ و دولت بیشتر می شود. حسابداران علاقه ای نداشتند که موضع اقتصادی مستقل خود را از دست بدهند، ولی به صورت فزاینده به مؤسسات حسابداری و غیر حسابداری، کوچک یا بزرگ، خصوصی یا دولتی پیوستند و در این فرایند ناگزیر شدند اقتدار و کنترل مدیریت ناهمگون را بپذیرند و شاهد از دست رفتن تدریجی مزایا و مقام خود باشند. نتیجه این شد که حسابداران پرولتاریایی بوجود می آمدند که با توجه به تقسیم کار، تحت نظر و کنترل مدیریت کار می کردند و تابع قوانین و مقررات تدوین شده بوسیله مدیریت بودند یا آنکه مقررات الزامی کار بر آنها حاکم بود. پرولتاریایی شدن حسابداران باعث شد که کنترل ها به کارفرمایان یا مدیریت منتقل شود و حسابداران از آزادی که در شرایط خود اشتغالی وجود داشت، محروم شوند (بلکویی¹⁷، 1381). در این فرایند، طبق تئوری مارکس، آنها کنترل بر وسیله و هدف کار را از دست دادند؛ پدیده ای که آن را پرولتاریایی فنی می نامند (براورمن¹⁸، 1966؛ باران و سویزی¹⁹، 1966). علاوه بر این، اعمال کنترل بوسیله مدیریت بر سرمایه، هدف و مقاصد اجتماعی (یعنی جاهایی که باید کار انجام شود) باعث

16. Kleiman

15. Belkaoui

18. Braverman

19. Baran & Sweezy

بوجود آمدن پرولتاریای ایدئولوژیک شد (مارلین²⁰، 1975). پرولتاریای ایدئولوژیک در حسابداری می تواند صدایی رساتر داشته باشد، زیرا حسابداران از اعمال کنترل بر سیاست سازمان و هدف های خاص و مقاصد کار عاجزند. حسابدار که در محدوده کار تخصصی گرفتار آمده است نمی تواند بر ماهیت کل تولید اعمال کنترل نماید و ای بسا نسبت به نتیجه فعالیت هایی که انجام می دهد، بی تفاوت شود. نداشتن کنترل بر کل محصول، کاربرد و عدم کاربرد آن باعث می شود که بر نیروی کار (حسابدار) مدیریت مستقیم اعمال شود. حسابداری که در این شرایط قرار بگیرد به راحتی پایگاه دانش خود را از دست می دهد و باعث می شود در آینده از مسائل فنی، اخلاقی و اجتماعی عمده مربوط به حرفه خود فاصله بگیرند و از آنها جدا افتند. به عبارت دیگر با احتمال بسیار زیاد، حسابدار نسبت به کار خود احساس بیگانگی می نماید (بلکویی، 1381) و این مسئله موجب بروز تنفر و بیزاری از فعالیت شده که از تبعات آن ورود به بحث جرائم مالی می باشد.

سطوح سازماندهی جرائم مالی در حسابداری

بر اساس نظریات دی مایلارد²¹ (1998)، سطوح مختلف ظرفیت جرم مالی در یک فعالیت مجرمانه به شرح زیر می باشد:

1- روش عمودی یا سلسله مراتبی برای نقش حسابداری در سازماندهی جرم: اقدامات مجرمانه مالی می توانند بر طبق یک منطق هرمی سه سطحی تجزیه و تحلیل شوند. سطح اول به جرم سازماندهی نشده، سطح دوم به جرم سازماندهی شده و سطح سوم به شبکه های جرم سازمان یافته مربوط می شوند. در جرائم سازماندهی نشده فعالیت های مجرمانه ساده ای از قبیل سوء استفاده های مالی در سطح خرد اتفاق می افتد که می توان علت اصلی آن را ناشی از استقرار یک سیستم حسابداری بسیار ضعیف دانست. در این سطح، جرائم مالی نیاز به هیچگونه انباشتگی سرمایه ندارند. در سطح دوم که مربوط به جرائم سازماندهی شده می باشند اقدامات بزهکاری مالی توسط کی باند مجرم صورت می گیرد. آن ها برای مدیریت درآمدهای حاصل از اقدامات مجرمانه خود به حسابداران و حقوقدانان نیاز دارند. اما در سطح سوم که بیشتر در حیطه عملیات پولشویی قرار می گیرد، شبکه های جرائم

20. Marlin

21. Demailard

سازمان یافته قرار دارند که کار آن‌ها بیشتر در حوزه عملیاتی نظیر قاچاق مواد مخدر و خرید و فروش سلاح قرار دارد. دانش حسابداری در این سطح جرائم مالی، یک عامل تعیین کننده برای مدیریت انباشتگی سرمایه کلان است که به عنوان مثال از اقدامات پولشویی مشأت گرفته از بانک‌های برون مرزی بدست آمده است.

به اعتقاد مایلارد، از لحاظ حجم عملیات در پولشویی، سه سطح وجود دارد. ابتدایی، پر جزئیات و پیچیده. دانش حسابداری در پولشویی ابتدایی نقش کوچکی دارد و کمک می‌کند که پول کثیف از کوتاهترین مسیر به پول تمیز تبدیل شود.

در مقابل، پولشویی پر جزئیات شامل سرمایه گذاری مجدد پول مجرمانه در فعالیتهای قانونی می‌شود. در این سطح، دانش حسابداری و قانون عوامل تعیین کننده هستند. در سطح پیچیده، سازمانهای مجرمانه، اقتصاد سنتی را احاطه کرده و درآمدهای هنگفتی که به سرعت انباشته شده است را شسته و به حوزه مالی وارد می‌کنند. در این سطح، سازمانهای مجرم، متخصصان حسابداری و مالی در اختیار دارند که قادرند زمینه‌هایی را بیابند که بتوانند مقررات مالی و هنجارهای فنی را دور بزنند.

2- روش افقی یا عملیاتی برای نقش حسابداری در سازماندهی جرم

در این مورد می‌توان فعالیت‌های درگیر در عملیات پولشویی را به شرح زیر تفکیک نمود که در این قسمت نیز دانستن این که دانش حسابداری تا چه اندازه می‌تواند بکار رود خالی از لطف نیست.

• سطح اول: فعالیتهای کلاً غیرقانونی

فعالیت‌های قاچاق، معاملات مواد مخدر، مراکز فساد آدم فروشی، قاچاق، سرقت مسلحانه و جعل پول تقریباً به هیچگونه دانش حسابداری نیاز ندارند. اما در صورتی که قدری حساسیت به خرج دهیم می‌بینیم که ساخت صورتحسابهای جعلی برای فراهم کردن سرپوش قانونی بر روی فعالیت شرکت‌ها ضروری است که آن نیز در حوزه فعالیت حسابداری قرار می‌گیرد.

• سطح دوم: فعالیتهای غیرقانونی که تاحدودی قانونی هستند

فعالیت‌های مجرمانه از قبیل رشوه در قراردادهای دولتی، سوءاستفاده از بودجه عمومی، کلاهبرداری مالی و ... همگی نیازمند دانش حسابداری هستند تا به قانونی ساختن این

اقدامات نامشروع کمک کند. حسابداری ابزار فنی مشهود برای حداقل کردن خطر است. دشواری در تمیز دادن بین درست و غلط است، زیرا سازمانهای مجرم فعالیتهایشان را با استفاده از شبکه های تجاری مشروع به منظور شستشوی سودشان، متنوع و گسترده می سازند.

- سطح سوم: فعالیتهای قانونی که تا حدودی غیرقانونی هستند

نمونه این فالیتهای در زمینه خرید و فروش سهام توسط کارکنان رازدار، اعضای هیئت مدیره و بستگان آنها و ... می باشد. در این سطح دانش حسابداری از اطلاعات محرمانه درون شرکت یک مزیت اطلاعاتی می سازد. هرچند این سوءاستفاده از مزیت رقابتی است نه خود اطلاعات حسابداری که موجب تحریک سوءاستفاده کننده از موقعیت برتر اطلاعاتی می شود ولی دستکاری حسابداری پیش نیاز هرگونه سیاستی با هدف ایجاد اطمینان در سهامداران می باشد.

حسابداری پشتیبانی پیشرفتهای را برای شیوه مجرمانه فراهم می آورد و به عنوان یک ابزار حداقل سازی ریسک عمل می کند. این یک فن استتار است.

دیدگاه جامعه شناسی در خصوص مجرمان مالی

پیلون²²(2003)، این طور استدلال می کند که حتی زمانی که مدیران شرکت به عملیات جرائم مالی و بالاخص پولشویی محکوم می شوند، وجهه و شهرت آنها و دیگر اعضای جامعه نسبت به آنها تغییر نمی کند. متأسفانه جامعه مجرمان مالی را خطرناک نمی داند زیرا قانون شکنی های آنان به زندگی یا هویت اجتماعی آنها آسیبی نمی رساند. او اینطور بیان می کند که این عدم طرد شدن از سوی جامعه نمونه بارز یک دموکراسی نظر است که بر طبق آن رسانه، نیروی محکومیت را بر دوش می کشد. حتی اگر ضابطه تخطی شده دارای ماهیت قانونی یا اجتماعی باشد، شخص منحرف به حساب نمی آید. با سهولتی که نظام سرمایه داری به دنبال دور زدودن و سست کردن محدودیت های قانونی است، خواه ماهیت مالی، اجتماعی یا حسابداری داشته باشد، تمایل را برای هر کسی که از آزادی خاصی از

نظر محدودیت های قانونی یا رسمی برخوردار است، ایجاد می کند. لذا سخت می توان انتظار داشت زمانی که افرادی با استفاده از قدرت های نظارتی آشکارا از مالیات سرباز می زنند، افکار عمومی، آنها را به دعوای یک مجرم مالی مقصر بشناسد.

کلام آخر

جرائم مالی و عملیات آن، موضوعی نسبتاً پیچیده است و نیاز به انجام مطالعات و تحقیقات بیشتری در این حوزه می باشد. خوشبختانه در این زمینه، مطالعاتی در کشور ایران انجام شده اما آنگونه که بایسته است در جهت حل معضلات جرایم مالی و مخصوصاً پولشویی گام های مؤثری برداشته نشده است. لذا توصیه می گردد آشنایی هرچه بیشتر با قوانین مربوط به پولشویی، الزامات آن و آثار آن بر عملیات حسابداری و گزارش حسابرسی صورت گرفته تا با پیاده سازی تدابیر ویژه در عمل بتوان ابهامات و معضلات فراروی مسئولان مربوط را شفاف نمود. مواردی نیز در این بین توصیه می گردد که عبارتند از: اعمال نظارت بهتر و دقیق تر بر سیستم بانکی کشور توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی، اتخاذ تدابیر بهتر جهت وصول بموقع مالیات، اعمال نظارت بیشتر بر مؤسسات قرض الحسنه، شرکتهای لیزینگ و سازمانهای خیریه، ارائه گزارش توسط بانکها از انتقال وجوه ناشی از منابع معین به اشخاص حقیقی و حقوقی، کنترل و نظارت بر ارزشهای خارجی، ارائه گزارش در خصوص مبارزه با پولشویی توسط سازمان بورس و اوراق بهادار به سازمان مربوطه در این زمینه، موظف نمودن بانکها، شرکتهای واسطه گری و سرمایه گذاری، صندوقهای قرض الحسنه و تعاونی ها برای استفاده از نیروی حسابداری و حسابرسی زبده، تدوین دستورالعمل مبارزه با پولشویی در سازمان حسابرسی و ابلاغ آن به حسابداران و حسابرسان حرفه ای جهت اجرا و برگزاری دوره های آموزشی جهت شناساندن ابعاد متفاوت این گونه جرایم و راه های مقابله با آن.

منابع و مآخذ

1. دوانی، غلامحسین. (1386). "پولشویی یا سرمایه داری جنایی"، **مجله**

حسابدار، سال هیجدهم، شماره 160.

2. دوانی، غلامحسین و امانی، علی. (1388). "فساد، تقلب، پولشویی و وظیفه حسابرسان"، **مجله حسابدار رسمی**.
3. رهنمای رودپشتی، فریدون و صالحی، اله کرم. (1387). "مکاتب و تئوری های مالی و حسابداری"، تهران، **انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی**، چاپ اول.
4. ریاحی بلکویی، احمد. (1381). "تئوری های حسابداری"، ترجمه دکتر علی پارسایان، تهران، **انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی**.
5. شبانی، محمد. (1386). "حسابداری: فن، علم یا هنر؟"، **مجله حسابدار**، سال هیجدهم، شماره 160.
6. شاهنک، رضا. (1386). "تئوری حسابداری"، جلد اول، تهران، **انتشارات سازمان حسابرسی**.
7. فرهادی چشمه مرواری، وحید. (1389). "پولشویی: سرپوش اموال نامشروع"، **مجله نامه اتاق بازرگانی ایران**، دوره جدید، شماره 43.
8. کریمی، یوسف. (1381). "روانشناسی اجتماعی"، تهران، **انتشارات ویرایش**، چاپ سوم.

9. Becker G. (1966). Crime and punishment: an economic approach, **journal of political economy**, NO 76, 142-3,433-8.
10. Braveman, H. (1966). Labor and monopoly capital (New York: monthly review press).
11. Baran, P, Sweezy, PM. (1966). monopoly capital (New York: monthly review).
12. Compin, F. (2008). The role of accounting in money laundering and money dirtying, **journal of critical perspectives on accounting**, No 19, 591-602.
13. Cutajar, C. (2004). Blanchiment de profits illicites. In: Themexpress. Paris: editions francis, 8-27.
14. Demaillard, J. (1998). Un monde sans loi, la criminalite financiere en image, *parise stock*, 100-108.
15. Jensen, MC, Meckling, WH. (1976). Theory of firm: managerial behavior, agency cost and ownership structure, **journal of financial economics**, No 3.

16.Marglin, S, (1975). What do bosses do? Review of radical and political economic, pp.60-112.

17..Mitchell, A, Sikka,p, Willmott. (1998). The accountants Laundromat, basildon: association for accountancy & business affairs.

18.Kleiman, C. (1987). Scrutiny hasn't put crimp in auditing, the Chicago tribune,

19.Pillon, V. (2003). Normes et deviances, breal, vol 57. Paris: Themes et debats, p.70.

20.Sikka, P, Willmott, H. (1998). Accounting for the public interest: money, arms and tax, American accounting association public interest, No 8.

21.Sutherland, E, Cressey, D. (1966). Principes de criminologie. Paris: Cujas. section 8. P.1.

Abstract

From psychological point of view, accountants are in a subordinate position and since the occurrence of an economic crime requires communication and cooperation with the lower ranks of an organization, it is generally presumed that accountants are permanent factors in committing financial crimes. This paper aims to study the advantage of accounting knowledge as a tool used in financial crimes and in particular, money laundering. First, accounting for financial crimes will be presented. At the end of this paper, some recommendations are offered on how to deal with the risks arising from financial crimes that threaten public accountants.

Keywords: Knowledge of accounting, financial crime, money laundering, psychological, technical and ideological proletariat